



در آغاز اجرای طرح، یارانه را برای دوماه پرداخت کرده بودیم که بعداً آن را تبدیل به یک ماه کرده و سپس با تأخیر در پرداخت، آن را از ابتدای ماه به انتهای ماه منتقل کردیم. حتی با سخت‌گیری مجلس در خصوص عدم احتساب سهمیه‌ها تلاش کردیم تا برخی از آنها را حذف کنیم. در هر صورت اگر فضای تعاملی مجلس و دولت همچنان پس از طرح ادامه می‌یافت، می‌توانستیم با تغییراتی در برخی از قیمت‌ها مجدداً به این فرمول برگردیم



نحوه محاسبه یارانه ۴۵۵۰۰ تومانی

برآوردها در سناریوها برای بهترین حالت، یارانه حدود ۴۰ هزار تومانی و در سناریویی نیز ۳۵ هزار تومانی بود، یعنی به ازای هر ماه، ۴۰۵۰۰ تومان یارانه نقدی به هر فرد باید پرداخت می‌شد. بعداً معادل ۵ هزار تومان تحت عنوان یارانه نان نیز به این رقم اضافه شد و رقم ۴۵۵۰۰ تومان نهایی شد

گزارش

کتاب

فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها چگونه متوقف شد؟

آن جلسات هر شب برگزار می‌شد و دولت در جلسات اولیه پیشنهادات خود را ارائه می‌کرد که معمولاً توسط بنده در چهارچوب اجرای کام دوم بود. اگر اشتباه نکنم در خصوص آمار سناریوها علی لاریجانی ابهاماتی را مطرح کرد. لذا قرار شد من از طرف دولت و احمد توکلی از طرف مجلس به بانک مرکزی برویم و با دعوت از کارشناسان بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز آمار نظرات آنها را در خصوص روش استفاده شده توسط کارگروه اخذ کنیم. جلسه برگزار شد و تقریباً عموم آنها نتایج را پذیرفتند، اما وی باز زیر بار این طرح نمی‌رفت. شب بعد قرار شد آنها نظراتشان را ارائه کنند. به یاد دارم به تمام آنها کاغذهایی داده شد تا نظراتشان را به صورت مکتوب ارائه دهند. هنوز هم برگه نظرات آنها را دارم. افراد هم دیدگاه‌های متفاوتی داشتند. عده‌ای همچنان به کام دوم با تغییراتی معتقد بودند و عده‌ای دیگر اصلاً به اجرای کام دوم اعتقاد نداشتند. لذا هیچ اجماعی حاصل نشد و متأسفانه یکی از بهترین فرصت‌های کشور برای ادامه هدفمندی یارانه‌ها از دست رفت و عملاً هدفمندی یارانه‌ها از دستور کار کشور خارج شد.

اجرای طرح تحول اقتصادی و هدفمندسازی یارانه‌ها، اقدام بزرگی بود که در زمان فعالیت دولت‌های نهم و دهم کلید خورد. در آن دوره، تصمیم گرفته شد تا با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، یارانه نقدی به مردم پرداخت شود. از این رو، بحث یارانه‌های ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی مطرح و از آذرماه سال ۸۹ نیز عملیاتی شد. در آن زمان، توضیحاتی پیرامون روند اجرای طرح داده است. وی در این شماره نیز به نحوه توزیع یارانه‌ها برای خانوار، بخش تولید و همچنین سهم دولت پرداخته است.

اولین سؤال این بود که چرا

قاعده ۵۰ درصد خانواده، ۳۰ درصد تولید و ۲۰ درصد سهم دولت انتخاب شد؟ نکته مهم‌ترین آنکه چرا آنچه در عمل اتفاق افتاد، عدم تحقق این نسبت‌ها بود؟

می‌دانید که قاعده ۲۰-۳۰-۵۰ تنها برای ۳ ماه نخست اجرای طرح در سال ۸۹ برقرار بود و سپس در قانون بودجه سال ۹۰ توسط مجلس تغییر کرد. همچنین این توضیح ضروری است که در حال حاضر از ۱۴۰ هزار میلیارد تومان منابع هدفمندی یارانه‌ها، ۴۱ هزار میلیارد تومان به مردم و ۹۹ هزار میلیارد تومان به دولت اختصاص می‌یابد. خوب است که سرفصل هدفمندسازی یارانه‌ها در بودجه ۱۳۹۸ را مرور کنیم که بر این اساس، حدود ۳۰ درصد مردم و ۷۰ درصد سهم دولت است. اما اجازه دهید سیر فکری این موضوع را برایتان

توضیح دهم. پیشنهاد دولت در لایحه، همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم، ۶۰ درصد خانوار، ۲۵ درصد تولید و ۱۵ درصد دولت بود که این فرمول نیز با سهم این اجزا و تقاضای کل بانکی تفاوت برابر است. اعتقاد دولت این بود که در اجرای طرح باید به ۳ تعادل، یعنی تعادل بودجه خانوارها، تعادل بودجه تولیدکنندگان و تعادل بودجه دولت توجه داشت. لذا نمی‌توان منابع را تنها به یکی از این گروه‌ها اختصاص داد. اگر همه این منابع به دولت اختصاص می‌یافت، همان طرح حذف یارانه‌ها می‌شد که قبلاً به آن اشاره شد که اختصاص این منابع صرفاً به تولیدکنندگان نیز منجر به کاهش قدرت خرید خانواده‌ها و کاهش مصرف طبقات عامه مردم می‌شد. ضمن اینکه هر افزایشی در قیمت محصولات نیز در نهایت به خانوارها و مردم انتقال می‌یافت.

خب چرا در عمل این نسبت‌ها رعایت نشد؟

در عمل موضوعات متفاوتی اتفاق افتاد و باعث ایجاد این مشکل در اجرا شد که به نظرم در خصوص آنها کمتر بحث شده بود و در قانون هم تکلیف آنها به خوبی مشخص نبود.

موضوعی که هنوز هم خود را نشان می‌دهد و باید با جزئیات بیشتری بر اساس تجربه حاصل شده بین دولت و مجلس تعیین تکلیف شود. خب سهم خانوار چون به صورت نقدی پرداخت می‌شد، مشخص بود. اما پرداخت در خصوص سهم تولید بین دولت و مجلس اختلاف نظر به وجود آمد. نظر دولت این بود که تمامی سهمیه‌های انرژی مانند بنزین، گازوئیل یا حتی قیمت‌های تعیضی برق و گاز برای تولیدکنندگان بخش‌هایی از سهم تولید است که دولت آن را به تولید می‌پردازد. لذا در محاسباتی که منظور می‌کردیم معادل مابه‌التفاوت قیمت سهمیه‌ها را به عنوان یارانه تولید منظور می‌کردیم ولی مجلس آنها را نمی‌پذیرفت و معتقد بود قیمت‌های تعیضی به نفع تولید را نمی‌توان به عنوان سهم تولید پذیرفت. دوم موضوع تراز نقدینگی طرح بود. این تراز معادل تراز درآمدی آن در پایان هر ماه نبود. همان‌طور که می‌دانید طرح دو تراز دارد. تراز اول اینکه درآمد اجرای طرح معادل هزینه‌های آن باشد که با طراحی‌های اولیه این تراز برقرار بود. اما از آنجا که بخش عمده هزینه‌های طرح، نقدی بود یعنی همان یارانه نقدی که باید در پایان

هرماه (که البته در شروع طرح در ابتدای هر ماه بود) پرداخت می‌شد، اما درآمدهای طرح تا آن فرصت به صورت نقد به حساب خزانه واریز نشده بود لذا پرداخت ماهیانه را دچار مشکل می‌کرد. البته با روش‌هایی تلاش کردیم این مشکل را کاهش دهیم. مثلاً در آغاز اجرای طرح، یارانه را برای دوماه پرداخت کرده بودیم که بعداً آن را تبدیل به یک ماه و سپس با تأخیر در پرداخت، آن را از ابتدای ماه به انتهای ماه منتقل کردیم. حتی با سخت‌گیری مجلس در خصوص عدم احتساب سهمیه‌ها تلاش کردیم تا برخی از آنها را حذف کنیم. در هر صورت اگر فضای تعاملی مجلس و دولت همچنان پس از طرح ادامه می‌یافت، می‌توانستیم با تغییراتی در برخی از قیمت‌ها مجدداً به این فرمول برگردیم. اما متأسفانه فضای همکاری اولیه بین دو قوه مجریه و مقننه دیگر شکل گرفت و این روابط دستخوش التهابات سیاسی آن سال‌ها شد.

در آن زمان یکی از انتقادات اساسی به میزان مبلغ یارانه نقدی خانوارها بود. عده‌ای معتقد بودند پرداخت یارانه ۴۵۵۰۰ تومانی در